

سؤال:

آیا امام حسین علیه السلام اموال کاروان تجاری یزید را مصادره کرده است؟

پاسخ:

با توجه به مدارک موجود به دست می‌آید که چنین مصادره‌ای در کار نبوده است و برخی روایات اهل سنت هم که در بردارنده این مطلب هستند از نظر سندی ضعیف هستند.

در این رابطه در کتب اهل سنت چنین آمده است:

إن الحسين أقبل حتى مر بالتنعيم فلقى بها عيرا قد أقبل بها من اليمن بعث بها بحير بن ريسان الحميري إلى يزيد بن معاوية وكان عامله على اليمن وعلى العير الورس والحل ينطلق بها إلى يزيد فأخذها الحسين فانطلق بها ثم قال لأصحاب الإبل لا أكرهكم من أحب أن يمضي معنا إلى العراق أوفينا كراهه وأحسننا صحبتته ومن أحب أن يفارقنا من مكاننا هذا أعطيناه من الكراء على قدر ما قطع من الأرض قال فمن فارقه منهم حوسب فأوفي حقه ومن مضى منهم معه أعطاه كراهه وكساه

حسین حرکت کرد تا به تنعیم رسید و کاروانی آنجا دید که از یمن می‌آید و بحیر بن ريسان حمیری که از جانب یزید عامل یمن بود برای وی فرستاده بود که پیش یزید می‌بردند، حسین کاروان را بگرفت و همراه ببرد؛ پس از آن به شتر بانان گفت: شما را مجبور نمیکنم، هر که خواهد با ما به عراق آید کرایه او را می‌دهیم و مصاحبتش را نیکو می‌داریم و هر که نخواهد همینجا از ما جدا شود کرایه او را به قدر مسافتی که پیموده می‌دهیم.

أبي جعفر محمد بن جرير الطبري، تاريخ الطبري ج ٣ ص ٢٩٦ الوفاة: ٣١٠ ، دار النشر : دار الكتب

العلمية - بيروت

أحمد بن يحيى بن جابر البلاذري، أنساب الأشراف ج ١ ص ٤١٢ (المتوفى : ٢٧٩هـ) الوفاة: ٢٧٩

أبو حنيفة أحمد بن داود الدينوري، الأخبار الطوال ج ١ ص ٣٦٢ الوفاة: ٢٨٢هـ ، دار النشر : دار الكتب

العلمية - بيروت/لبنان - ١٤٢١هـ-٢٠٠١م ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : د.عصام محمد الحاج علي

ماجرای مصادره اموال را فقط مخالفین شیعه نقل کرده‌اند و مستقلا در منابع شیعی وجود ندارد و

برخی از منابع شیعی هم که به آن اشاره کرده‌اند از کتب اهل سنت آن را نقل کرده‌اند.

این روایت در کتاب انساب الاشراف و اخبار الطوال بدون سند ذکر شده است.

طبری هم که این روایت را با سند از ابی مخنف نقل کرده است، ابی مخنف در نزد اهل تسنن فرد

ضعیفی است:

سمعت يحيى بن معين يقول أبو مخنف ليس بثقة

از يحيى بن معين شنیدم که می‌گفت: ابو مخنف ثقه نیست.

عبد الرحمن بن أبي حاتم محمد بن إدريس أبو محمد الرازي التميمي. الجرح والتعديل ج ٧ ص ١٨٢

الوفاة: ٣٢٧ ، دار النشر : دار إحياء التراث العربي - بيروت - ١٢٧١ - ١٩٥٢ ، الطبعة : الأولى

جرجانی می‌گوید:

عن يحيى قال أبو مخنف ليس بشيء وهذا الذي قاله بن معين يوافقه عليه الأئمة

يحيى بن معين می‌گوید: ثقه نیست و ائمه علم رجال با این چیزی که ابن معين گفته است موافق

هستند.

عبدالله بن عدي بن عبدالله بن محمد أبو أحمد الجرجاني، الكامل في ضعفاء الرجال ج ٦ ص ٩٣ الوفاة:

٣٦٥ ، دار النشر : دار الفكر - بيروت - ١٤٠٩ - ١٩٨٨ ، الطبعة : الثالثة ، تحقيق : يحيى مختار غزاوي

ابن جوزی می‌گوید:

لوط بن يحيى أبو مخنف قال يحيى ليس بثقة وقال مرة ليس بشيء وقال أبو حاتم الرازي متروك

الحديث وقال الدارقطني ضعيف

یحیی بن معین گفته است که او ثقه نیست و ابو حاتم رازی او را متروک الحدیث می‌داند و دارقطنی او را ضعیف می‌داند.

عبد الرحمن بن علی بن محمد بن الجوزی أبو الفرج، الضعفاء والمتروکین لابن الجوزی ج ۳ ص ۲۸

الوفاة: ۵۷۹، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - ۱۴۰۶، الطبعة: الأولى، تحقیق: عبد الله القاضي

علاوه بر ضعف ابی مخنف، الحارث بن کعب الوالبی هم مجهول است و در هیچ کتاب رجالی شخصیت این فرد بررسی نشده است.

پس این روایت بر اساس مبانی اهل سنت ضعیف است و اهل سنت هم نمی‌توانند به آن استناد کنند؛ چه رسد به شیعه.

از نظر شیعه هم شیخ مفید رحمه الله علیه وقتی به نقل این داستان می‌پردازد هیچ اشاره‌ای به مصادره کردن اموال نمی‌کنند و نهایت چیزی که بیان می‌کنند این است که امام حسین علیه السلام از کاروانی که از یمن می‌آمد مرکبی را اجاره کرد، نه آن که اموال آن را مصادره کند:

وسار حتی أتى التنعيم فلقى عيرا قد أقبلت من اليمن فاستأجر من أهلها جمالا لرحله وأصحابه وقال لأصحابها من أحب أن ينطلق معنا إلى العراق وفيناها كراءه وأحسننا صحبتته ومن أحب أن يفارقنا في بعض الطريق أعطيناه كراء على قدر ما قطع من الطريق فمضى معه قوم وامتنع آخرون

سید الشهداء علیه السلام و همراهان همچنان راه را به سوی عراق پیمودند تا به تنعیم رسیدند، در آنجا قافله‌ای دیدند که از یمن می‌آمد، پس شترانی از آنان برای بارهای خود و همراهانش کرایه کرد و به صاحبان شتر فرمود: هر که از شما می‌خواهد با ما به عراق بیاید ما کرایه او را می‌دهیم و در زمان همراه بودنش به او نیکی کنیم و هر که می‌خواهد در راه از ما جدا شود به هر اندازه که همراه ما باشد کرایه آن اندازه راه او را می‌پردازیم؛ پس گروهی از آنان با آن حضرت به راه افتادند و گروهی دیگر از رفتن خودداری کردند.

الشيخ المفيد، محمد بن محمد بن النعمان ابن المعلم أبي عبد الله العكبري البغدادي (متوفى ٤١٣ هـ)،
الإرشاد في معرفة حجج الله علي العباد ج ٢ ص ٦٨، تحقيق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لتحقيق التراث،
ناشر: دار المفيد للطباعة والنشر والتوزيع - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية، ١٤١٤هـ - ١٩٩٣ م.

پس اولاً این روایت در منابع اهل سنت است و در منابع آن‌ها هم سند معتبر ندارد؛ پس نه تنها حجیتی
نزد شیعه ندارد؛ بلکه نزد اهل سنت هم معتبر نیست.

ثانیاً در منابع شیعه این روایت آمده است؛ اما بحث مصادره اموال در آن مطرح نیست.

اگر چنین حادثه روی داده بود، حتماً یزید و یزیدیان در تمامی بلاد اسلامی اعلام می‌کردند که نعوذ بالله
امام حسین علیه السلام از اموال بیت المال دزدی کرده است و مردم را برای بازگرفتن این اموال تشویق
می‌کردند تا به امام حسین علیه السلام حمله کنند؛ درحالی که چنین مطلبی در هیچ یک از منابع نیامده است
که یزید یا یزیدیان خواهان اموال به غارت رفته خود باشند.

اتفاقاً در کتب اهل سنت آمده است که امام حسین علیه السلام در روز عاشوراء به عمر سعد فرمود:

أقتلونني على سنة بدلتها أم علي شريعة غيرتها أم علي جرم فعلته أم علي حق تركته فقالوا له إنا نقتلك

بغضا لأبيك

آیا مرا می‌کشید به خاطر این که تغییری در سنت ایجاد کرده‌ام یا شریعت را تغییر داده‌ام یا جرمی
مرتکب شده‌ام یا حقی را ترک کرده‌ام و انجام نداده‌ام؟ سپاه گفتند ما تو را فقط به خاطر بغضی که از پدرت
داریم می‌کشیم.

القندوزي الحنفي ، الشيخ سليمان بن إبراهيم (متوفى ١٢٩٤هـ) ينابيع المودة لذوي القربى ج ٣ ص

٨٠، تحقيق سيد علي جمال أشرف الحسيني، ناشر: دار الأسوة للطباعة والنشر - قم، الطبعة: الأولى ، ١٤١٦هـ .

اگر امام حسین علیه السلام اموال یزید را مصادره می‌کردند، در اینجا می‌گفتند که با تو به خاطر غارت

اموال و بغض پدرت می‌جنگیم؛ اما می‌بنیم که فقط به خاطر نصبی که دارند با امام جنگیدند.

به فرض که بپذیریم امام حسین علیه السلام چنین کاری کرده است، دلیلش این است که بعد از عهد شکنی معاویه در اعلام ولایت عهدی فرزندش یزید (که بر خلاف مفاد صلح نامه امام حسن مجتبی و معاویه بود)، امام حسین علیه السلام حکومت یزید را نامشروع دانسته و از همان روزهای نخست حکومت یزید، حرکت اعتراضی خود را آغاز کردند.

یکی از کارهایی که نشان از عدم مشروعیت حکومت یزید می‌داد مصادره اموال کاروان یزید بود که حضرت با این شیوه هم ضربه اقتصادی به حکومت یزید زد و هم از افراد دشمن، جذب نیرو کرد. برخی با استناد به این داستان نعوذ بالله امام حسین علیه السلام را متهم به دزدی و راهزنی می‌کنند که در پاسخ می‌گوییم:

بر فرض پذیرش این روایت، دزد و راهزن کسی است که بر سر راه مردم و کاروان‌ها کمین می‌کند و آنان را غارت کرده و سپس فرار می‌کند و همواره سعی بر این دارد که عمل خود را مخفیانه انجام دهد و جرمش را نیز به گردن دیگری بیندازد؛ اما در همین روایتی که به آن استناد می‌کنند امام حسین علیه السلام اموال کاروان را ضبط می‌کنند و دستمزد افراد کاروان را به آنان می‌پردازد تا مبادا حقی از آنان ضایع شود.

موفق و مؤید باشید

گروه پاسخ به شبهات

مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)